Analysis of Quranic language in lifestyle verses (case study of family relationships)

Sayyed Mohammad Nagheb[1] Fatemeh Moradi[2]

Abstract

One of the important issues of Quranic sciences that is raised in the continuation of the discussion on the language and philosophy of religion is the language of Quran. Knowledge of the language of the Quran plays an important role in understanding the deep teachings of the Qur'an; Therefore, the study in this field is considered as one of the research requirements; Considering the important role of the family in the well-being and construction of the individual and society and the need to practice the Quranic and Islamic lifestyle, in order to achieve happiness, the researcher seeks to explain the language of the Quran in verses related to the family lifestyle. According to the present study, which was completed by descriptive-analytical method and using library sources, the language of the Quran in this category of verses is multifaceted; That is, Allah the Almighty to explain the family lifestyle and determine how couples interact with each other and parents with children and children with parents, has used various linguistic methods such as: the language of wisdom, the language of legislation, the language of warning, the language of preaching, the language of dispelling doubt, the language of education, the language of reason and the language of affection.

Keywords: Quran language, lifestyle, family relationships, couples, parents, children.

1. Assistant Professor, University of Science and knowledge of the Holy Quran.
Email: nagheb@Quran.ac.ir.
2. Level four at Comparative Interpretation, Alzahra (as) University. (Responsible auther)
Email: barbalemalaek1355@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

«دوفصلنامه فرهنگ پژوهی اخلاق در جامعه اسلامی»

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

واکاوی زبان قرآن در آیات سبک زندگی (موردپژوهی روابط خانوادگی)

سید محمد نقیب[۱]، فاطمه مرادی[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۳/۹)

چکیده

از جمله مباحث مهم علوم قرآنی که در تداوم بحث از زبان و فلسفه دین مطرح می‌گردد، زبان قرآن است. شناخت زبان قرآن، نقش مهمی در فهم معارف و آموزه‌های عمیق قرآنی دارد؛ از این رو، تحقیق در این زمینه، یکی از بایسته‌های پژوهشی شمرده می‌شود؛ با توجه به نقش مهم خانواده در سعادت و سازندگی فرد و اجتماع و لزوم عمل به سبک زندگی قرآنی و اسلامی، در جهت رسیدن به سعادت، محقق در صدد است تا به تبیین زبان قرآن در آیات مربوط به سبک زندگی خانوادگی بپردازد. بر اساس تحقیق حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به سرانجام رسید، زبان قرآن در این دسته از آیات، چندوجهی است؛ یعنی خداوند متعال برای تبیین سبک زندگی خانوادگی و مشخص نمودن نحوه تعامل زوجین با یکدیگر و

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

رایانامه: nagheb@Quran.ac.ir.

۲. سطح ٤ تفسیر تطبیقی حوزه جامعه الزهرا سلام الله علیها. (نویسنده مسئول)

رایانامه: barbalemalaek1355@gmail.com.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

والدین با فرزندان و فرزندان با والدین، از شیوه‌های متنوع و متعدد زبانی همچون: زبان حکمت، زبان تشریع، زبان انذار، زبان موعظه، زبان دفع شبهه، زبان تربیتی، زبان عقل محوری و زبان مودت بهره برده است.

واژگان کلیدی: زبان قرآن، سبک زندگی، روابط خانوادگی، زوجین، والدین، فرزندان.

مقدمه

یکی از مباحث عمده و دامنه‌دار در حوزه علوم قرآن، مسئله زبان قرآن است. زبان‌شناسی قرآن از مبانی فهم قرآن شمرده شده و فهم قرآن زمینه‌ساز تمسک به قرآن و عمل به آموزه‌های آن است. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این کتاب آسمانی، آموزش شیوه صحیح تعامل اعضای خانواده با یکدیگر است؛ اما تردیدی نیست که ملتزم شدن به سبک زندگی خانوادگی قرآنی، در سایه تحقق فهم درست آیات ناظر بر تعیین چنین سبکی است و فهم درست این دسته از آیات نیز، زمانی محقق می‌شود که زبان قرآن در این گروه از آیات شناخته و فهم شود؛ از این رو با توجه به خلل پژوهشی که در این زمینه یافت شد، نوشتار حاضر در صدد است تا با روش توصیفی–تحلیلی به تبیین زبان قرآن در آیات سبک زندگی خانوادگی در سه محور: تعامل زوجین با یکدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان با والدین بپردازد.

با توجه به نقش انکارناپذیر خانواده در سعادت و سازندگی فرد و جامعه، ملتزم شدن خانواده به سبک صحیح زندگی، امری لازم و ضروری است و ملتزم شدن به سبک زندگی قرآنی، ارتباط تنگاتنگی با فهم آیات ناظر به سبک زندگی دارد؛ فهم این دسته از آیات نیز زمانی محقق خواهد شد که زبان قرآن در این دسته از آیات

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به درستی تبیین گردد؛ از این رو تحقیق در حیطه زبان قرآن در آیات سبک زندگی از ضروریات پژوهشی شمرده می‌شود.

پیشینه

تاکنون مطالعات و تألیفات بی‌شماری در مورد چیستی و ماهیت زبان قرآن صورت گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌هایی چون: «تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن»، تألیف محمدباقر سعیدی روشن، «زبان قرآن با نگاهی به چالش‌های کلامی تفسیر»، اثر ابوالفضل ساجدی و مقالاتی چون: «زبان قرآن و اوصاف آن از دیدگاه علامه مصباح»، به قلم محمدرضا امین و «چیستی و چرایی و چگونگی زبان قرآن» نوشته غلامحسین اعرابی و اسمر جعفری، اشاره کرد؛ با این وجود نتایج این مطالعات مبتنی بر زبان قرآن در آیات مربوط به سبک زندگی خانوادگی نبوده؛ لذا این پژوهش، از این نظر نو و بدیع است.

۱. مفهوم شناسی

در این نوشتار، شناخت مفهوم «زبان قرآن» و «سبک زندگی» به تسلط بیشتر بحث ارائه شده کمک می‌کند:

۱-۱. زبان قرآن

واژه «زبان»، در لغت، به دو معنای عمده، یعنی اندام ماهیچه‌ای و متحرک داخل دهان (ابزار گویایی) و همچنین لغت یک ملت یا جماعت به کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ۱۱۱۳۰). معادل عربی این واژه، «لسان» است که در قرآن کریم، بالغ بر ۲۰ مرتبه به صورت مفرد و جمع به کار رفته و هر دو معنای فوق نیز از آن اراده شده است؛ چنانکه در آیه «وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ؛ و یک زبان و دو لب» (بلد، ۹) به معنای

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

نخست و در آیه «لِسَانُ الَّذِی یُلْحِدُونَ إِلَیْهِ أَعْجَمِیٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُبِینٌ؛ زبان کسی که اینها را به او نسبت می‌دهند عجمی است؛ ولی این (قرآن)، زبان عربی آشکار است.» (نحل، ۱۰۳)، به معنای دوم استعمال شده است.

در اصطلاح زبان‌شناسی، «زبان»، مجموعه‌ای پیچیده از نظام‌های مجرد و ذهنی و جزء توانش‌های مغز انسان است که برای ایجاد ارتباط با افراد بشر به کار می‌رود (حق‌شناس، آواشناسی، ۱۳۵۶ش، ۱۲). این معنا، یعنی قدرت تعقلی تفهیم و تفاهم، در آیه ۴ سوره الرحمن نیز، مورد اشاره قرار گرفته: «عَلَّمَهُ الْبَیَانَ؛ و به او «بیان» را آموخت.» که مقصود از «زبان» در این نوشتار همین معنا است.

رضایی اصفهانی درباره مقصود از «زبان قرآن» می‌نویسد: «مراد از زبان قرآن این است که قرآن از نظر کلمات، گزاره‌ها و جملات دارای چه خصوصیاتی است؟ انشائی یا اخباری، حقیقی یا مجازی، تمثیلی یا اسطوره‌ای، یک لایه یا چندلایه است؟ قرآن در رساندن پیام خویش از چه سبک و شیوه‌ای استفاده کرده است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۵ش، ۱۵۰/۴؛ ر.ک: سعیدی روشن، ۱۳۸۳ش، ۲۲۷)؛ بنابراین «زبان قرآن» به «گونه‌های انتقال مفاهیم» نظیر زبان محاوره، زبان رمز، زبان سمبلیک و زبان علم و... اطلاق می‌شود (شاکر، ۱۳۹۳ش، ۱۱۵).

شایان ذکر است که در باب زبان قرآن، نظریات مختلفی مطرح شده است؛ که جهت تبیین بهتر موضوع اجمالاً به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۱. زبان عرف عام

این نظریه به چند صورت تقریر شده است:

الف- برخی بر این باورند که زبان قرآن، همان زبان تفاهم و تخاطب عرف عقلا است و خداوند برای القا و ابلاغ پیام خود به مردم، طریقه و زبان دیگری جز آن، گزینش نکرده و به همان شیوه عقلایی عمل نموده است (خویی، ۱۳۹۴ق، ۲۸۱).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

ب- برخی دیگر در این زمینه نوشته‌اند: «در قرآن کریم، آیات فراوانی وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود قرآن کتابی ساده و برای عموم مردم است؛ بنابراین باید مانند تمام گفتگوهای عادی و متعارف، معنای ظاهری آن منظور و برای عموم قابل فهم باشد.» (رجبی، ۱۳۷۶ش، ۴۷)

۱-۱-۲. زبان عرف خاص

گروهی از محققان معتقدند: عرف خاص در مورد قرآن کریم، یعنی قرآن اصطلاحاتی مخصوص به خود دارد؛ همان‌طور که اگر کسی بخواهد متون پزشکی را بفهمد، باید با اصطلاحات پزشکی آشنا باشد؛ برای فهمیدن قرآن نیز، باید با فرهنگ و اصطلاحات آن آشنا بود (شاکر، ۱۳۹۳ش، ۱۲۰). آیت الله معرفت معتقد است: قرآن در بیانات شافیه و کافیه خود، روشی جدا از روش‌های معمولی محاوره، اتخاذ کرده است (معرفت، ۱۳۷۳ش، ۵۴).

۱-۱-۳. زبان سمبلیک

بر اساس این نظریه، زبان قرآن، زبان رمز و اشاره است و آنچه از ظاهر عبارات آن فهمیده می‌شود، مراد نبوده؛ بلکه این ظاهر، رمز برای حقایقی است که آنها را جز به زبان غیر مستقیم (نمادین) نمی‌توان بیان کرد. این دیدگاه در شکل باطنی‌گری و گاه در قالب رویکردهای کلامی جدید برای تحلیل زبان و وحی خود را نشان داده است (آریان، ۱۳۸۹ش، ۲۵).

۱-۱-۴. زبان فطرت

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: قرآن کتابی است که برای هدایت همگان تنزل یافته؛ در نتیجه زبان قرآن باید جهانی و همسو با فرهنگ مشترک همه مردم باشد

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

و فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه امطار و اعصار که هر انسانی با آن آشنایی داشته و نمی‌تواند بهانه بیگانگی با آن را در سر بپروراند؛ زبان فطرت است (جوادی آملی، ۱۳۸۱ش، ۳۱/۱).

۱-۱-۵. زبان ترکیبی (تلفیقی)

گروهی از قرآن پژوهان معتقدند با اندک تأملی در موضوعات و محتوای قرآن کریم می‌توان دریافت که این کتاب آسمانی با شیوه‌ها و زبان‌های متعدد به تربیت و هدایت خلق پرداخته است (شاکر، ۱۳۹۳ش، ۱۲۴). آیت الله مصباح نیز، این نظریه را نظریه‌ای اقوی دانسته و می‌فرماید: «چنانچه زبان دین را به طور مطلق عرفی بدانیم که هیچ جنبه نمادین در آن نیست یا بر عکس اگر بگوییم کلیه مفاهیم دینی نمادین‌اند و هیچ مفهوم حقیقی یا عرفی نداریم؛ هیچ‌کدام از این‌ها صحیح نیست و باید تفصیل قائل شد» (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ش، ۱۶).

۱-۲. سبک زندگی

بر اساس رویکرد دین‌شناسانه می‌توان سبک زندگی را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتار یک فرد یا گروهی از افراد شده است (شریفی، ۱۳۹۱ش، ۴). از آنجا یکی از اهداف قرآن کریم، تعلیم سبک زندگی صحیح است، می‌توان با شناسایی ارزش‌ها و هنجارها و ضد آنها که در آیات قرآن به آنها اشاره شده است، این سبک را شناسایی کرد و با انطباق روش زندگی با روش‌های قرآنی به قله سعادت و خوشبختی دست‌یافت.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

زبان قرآن در آیات مربوط به سبک زندگی در سه محور زبان قرآن در آیات ناظر بر تعامل زوجین با یکدیگر، والدین با فرزندان و فرزندان با والدین مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲. زبان قرآن در آیات ناظر بر تعامل زوجین با یکدیگر

تتبع در آیات ناظر بر تعامل زوجین با یکدیگر، روشن می‌سازد که قرآن کریم جهت تبیین نحوه تعامل زوجین با یکدیگر از شیوه‌های متعدد زبانی همچون: زبان مودت و رحمت و زبان هدایت‌گری بهره برده است؛ در ادامه هر یک به طور خاص، مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۲-۱. زبان مودت و رحمت

«مودت» به معنای دوست داشتن و «رحمت» به معنای مهربانی است (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۱۹۲/۸). مودت و رحمت خداوند نسبت به بندگانش، توجه و مراعاتی است که نسبت به آنان دارد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ۴۳۲/۴). نزول کتاب‌های آسمانی و بعثت انبیا الهی، به خصوص بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را که قرآن از ایشان به عنوان «رحمۀ للعالمین» (انبیاء، ۱۰۷) یاد می‌کند، می‌توان بخشی از تجلّی این توجه و محبت او دانست. بررسی آیات ناظر بر تعامل زوجین با یکدیگر، روشن می‌سازد که برخی از آنها، آینه تمام‌نمای محبت و توجه خداوند به انسان هستند؛ لذا می‌توان لسان این دسته از آیات را، لسان مودت و رحمت دانست. به عنوان نمونه خداوند در آیه ۴۹ سوره احزاب می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با زنان باایمان ازدواج کردید و قبل از همبستر شدن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

طلاق دادید، عدّه‌ای برای شما بر آنان نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید؛ آنان را با هدیه مناسبی بهره‌مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهایشان کنید».

این آیه، یکی از مواردی را بیان می‌کند که زن مطلقه موظّف به نگاه داشتن عدّه نیست. با این توضیح که کلمه «نَكَحْتُمُ» به معنای عقد (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۲۵/۱۱) و «تَمَسُّوهُنَّ» کنایه از همبستر شدن است (حقی بروسوی، ۱۳۷۰ش، ۲۰۱/۷) و آیه خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که زنان مؤمنه را به عقد خویش درآوردید؛ چنانچه قبل از اینکه با ایشان همبستر شوید، آنان را طلاق دهید؛ عدّه‌ای به گردن آنها نیست و به محض اینکه طلاق، طبق دستورات اسلام صادر شود، باید هنگام طلاق، آنان را از مال خودتان بهره‌مند سازید «فَمَتِّعُوهُنَّ» (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ۱۲۰/۱۶)؛ سپس می‌فرماید: «وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا»، «سراح جمیل» به معنای رها ساختن توأم با محبت، احترام و ترک هرگونه خشونت، ظلم و بی‌احترامی است؛ همان‌گونه که در آیه ۲۲۹ سوره بقره آمده است که یا باید همسر را به طور شایسته نگاه داشت و یا با نیکی و احترام رها نمود «فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ»؛ یعنی هم ادامه زوجیت باید توأم با معیارهای اسلامی باشد و هم جدا شدن؛ نه اینکه هرگاه شوهر تصمیم به جدایی گرفت، هرگونه بی‌مهری، ظلم، بدگویی و خشونتی را در مورد همسرش مجاز بشمرد که این گونه رفتارها قطعاً غیر اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۳۷۳/۱۷).

توجه در این آیه شریفه، از یک‌سو بیانگر محبت خداوند و از دیگر سو حاکی از این است که قرآن و دین مبین اسلام برای تمام جزئیات زندگی انسان برنامه دارد که تبعیت از این برنامه‌های عدالت محور اسلامی به انسان کمک می‌کند تا زندگی خویش را بهتر اداره کند و از این طریق از بروز مشکلات بیشتر، جلوگیری نماید.

از آیات دیگری که می‌توان برای این بخش مثال زد آیه ۱۹ سوره نساء است که مردان را به معاشرت نیکو با زنان، توصیه می‌کند که این توصیه نیز، مبتنی بر محبت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

و توجه پروردگار نسبت به انسان است. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد».

این آیه آدابی از آداب زناشویی را بیان می‌کند که مرد باید با همسر خویش طبق مقررات معروفی که نزد شرع و عقل و عرف پسندیده و پذیرفته شده است، رفتار نماید (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۳۰۵/۵). گفتار و رفتار مرد نسبت به زن باید به‌گونه‌ای باشد که او دوست دارد همسرش با آن گفتار و رفتار با او معاشرت نماید. چنانچه خداوند در آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۲۱۲/۲) و اگر به همسر خویش عشق و علاقه باطنی ندارد، باز هم به وجه نیکو با او معاشرت کند؛ چون شاید همین زنی که نسبت به او کراهت دارد؛ موجب خوشبختی و به وجود آوردن فرزندان شایسته برای او باشد؛ بر این اساس، در سوءتفاهم‌هایی که بین آنها پیش می‌آید، مرد، نباید بلافاصله تصمیم به طلاق بگیرد و یا با زن بدرفتاری کند؛ بلکه باید تحمل نماید؛ چراکه چه بسا انسان از چیزی خوشش نمی آید ولی خداوند خیر فراوانی در آن قرار داده است (جعفری، ۱۳۷۶ش، ۳۹۰/۲).

۲-۲. زبان هدایت‌گری

«هدایت» به معنای ارشاد و راهنمایی از روی لطف و خیرخواهی است (قرشی، ۱۳۷۲ش، ۱۴۵/۷). از آنجایی که خداوند جز خیر و صلاح بندگان خویش چیزی نمی خواهد، هدف از نزول قرآن کریم را هدایت انسان قرار داد؛ از جمله آیاتی که بر این مسئله تصریح دارد آیه ۱۶ سوره مائده است: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند؛ و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید». مطابق این آیه، تمسک و پیروی از قرآن کریم، موجب هدایت و نجات انسان از ضلالت و گمراهی است؛ اما این هدایت‌گری قرآن و تلاش برای نجات انسان از جهالت و ضلالت، در برخی از آیات، نمود بیشتری داشته و همین ظهور، سبب می‌شود که زبان هدایت‌گری، برای آنها به طور خاص تعین پیدا کند. برای نمونه می‌توان به آیه ۳۲ سوره نساء اشاره کرد. خداوند در این آیه، توجه زوجین و به طور کلی زنان و مردان را به تفاوت‌های موجود بین زن و مرد، معطوف داشته و این تفاوت‌ها را حکیمانه و مطابق با نظام احسن دانسته، می‌فرماید:

«**وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا؛** برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما و بر طبق عدالت است. ولی با این حال)، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ‌یک پایمال گردد)؛ و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست».

آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود، این است که مردان و زنان باید به تفاوت‌های یکدیگر احترام بگذارند تا در سایه این توجه و احترام، تعامل و رابطه بهتر و نیکوتری با یکدیگر داشته باشند؛ چه آن دسته از تفاوت‌هایی که مربوط به آفرینش و جنسیت و صفات روحی و جسمی آنان است و پایه و اساس نظام اجتماعی است؛ چه تفاوت های حقوقی همانند اختلاف در سهم الارث و چه تفاوت‌هایی که ناشی

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

از تلاش و کوشش اختیاری هر یک از دو طرف است. زن و مرد، باید بدانند که آرزوی داشتن مزیت و تفاوت طرف دیگر، جز برهم‌زدن نظام احسن و شعله‌ور شدن آتش حسادت و کینه و به تبع آن گسترش فساد و نابودی نسل، کاری از پیش نخواهد برد؛ لذا سزاوار است که هر یک از آنان به جای چنین تمناهایی، فضل الهی را تمنا کنند که سعادت و خیر واقعی در آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۳۶۳/۳–۳۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۵۳۳/۴).

۳. زبان قرآن در آیات ناظر بر تعامل والدین با فرزندان

زبان قرآن در آیات ناظر بر تعامل والدین با فرزندان عبارت است از:

۳-۱. زبان موعظه

«موعظه» تذکر دادن به خیر یا چیزهایی است که دل در برابر آنها نرم می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ش، ذیل وعظ). به نظر می‌رسد در موعظه یک دلالت مبنی بر ترغیب به نیکی و بازداری از بدی نهفته است که در نتیجه، سختی، قساوت و کینه دل را می‌زداید، خشم و شهوت را فرومی‌نشاند و خواهش‌های نفسانی را تعدیل می‌کند و با این یادآوری، قلب زنده و راه انسانیت و قرب پیموده می‌شود (باقری نیا، ۱۳۹۳ش، ۳).

با توجه به آنچه در توضیح موعظه گفته شد، منظور از لسان موعظه، لسانِ نرم و سرشار از عطوفت و به دور از هرگونه خشونت و تندی است که قدرت ایجاد انعطاف و تمایل به سمت نیکی‌ها و انزجار از بدی‌ها را دارا است. قرآن کریم در جهت تبیین نحوه تعامل والدین نسبت به فرزندان خویش و آموزش این مطلب که در راستای آموزش عقاید صحیح و رفتارها و روحیات درست اخلاقی، آنان باید زبان موعظه را جایگزین زبان خشونت و امر و نهی سازند، مواعظ لقمان حکیم را نسبت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به فرزندش بیان داشته که الگوگیری والدین از این روش و پذیرش و اجرای آنها از سوی فرزندان، موجب تعالی کانون خانواده در پرتو تبعیت از سبک زندگی خانوادگی قرآنی خواهد شد. در سوره لقمان آمده است:

«وَ إِذْ قالَ لُقْمانُ لابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش –درحالی‌که او را موعظه می‌کرد– گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» (لقمان، ۱۳)

موعظه اول لقمان، درباره نهی از شرک است و با توجه به اینکه اقسام شرک عبارت‌اند از: شرک در ذات، شرک در صفات، شرک در افعال و شرک در عبادات؛ نهی موجود در آیه، تمامی این اقسام را در برمی‌گیرد و توضیح این اقسام را می‌توان از توضیح مراتب چهارگانه توحید یعنی: توحید در ذات، توحید در صفات، توحید در افعال و توحید در عبادت به دست آورد؛ توحید در ذات، یعنی انسان شریکی برای ذات مقدس خداوند قرار ندهد و توحید صفاتی به معنای، منزه دانستن خداوند از ترکیب عقلی و خارجی و زائد ندانستن صفات او بر ذات اوست و توحید افعالی نیز ناظر بر انحصار تمامی تأثیراتِ عالم به پروردگار هست و مقصود از توحید در عبارت این است که انسان برای حق‌تعالی شریکی در عبادت قرار ندهد (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ۳۴۱/۱۰). با توجه به آنچه در مراتب توحید گفته شد می‌توان چنین گفت که شخص مشرک در واقع قدرت و عظمت پروردگار را محدود دانسته و او را خالق و قادر مطلق نمی‌پندارد؛ لذا برای او شریک قائل می‌شود و از این لحاظ شرک او بزرگ‌ترین ظلم است. «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيم» (مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۲۳/۱۵).

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

آیه ۱۶ سوره لقمان، موعظه دیگر ایشان را چنین نقل می‌کند: «**یا بُنَیَّ انها إِنْ تَکُ مِثْقالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَکُنْ فی صَخْرَةٍ أَوْ فِی السَّماواتِ أَوْ فِی الْأَرْضِ یَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ**؛ پسرم! اگر به‌اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد خداوند دقیق و آگاه است».

در این آیه سخن از معاد و مسئول بودن انسان در مقابل عمل خویش (نیک یا بد) است اینکه عمل انسان به هیچ وجه از بین نمی‌رود و خداوند نسبت به تمامی اعمال او حتی کوچک‌ترین آنها، به خوبی آگاه است و انسان در روز قیامت باید در برابر همه آنها پاسخگو باشد (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۲۵۲/۸).

در آیه بعد آمده است: «**یَا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَرِ وَاصْبِرْ عَلَیَ مَا أَصَابَکَ**؛ پسرم! نماز را برپادار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است» (لقمان، ۱۷).

نصیحت لقمان در اینجا درباره نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر و خویشتن‌داری در مقابل سختی‌های امر به معروف و نهی از منکر و یا به طور کلی صبر در برابر ناگواری‌ها و سختی‌هاست که مراد از «معروف» در این آیه هر کار نیکی است که مورد پسند شرع و عقل باشد و مراد از «منکر» اموری است که منع شرعی یا عقلی دارند (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۸۴/۱۹).

حاصل آنکه، والدین باید در راستای آموزش عقاید و ارزش‌ها و فضائل اخلاقی روش لقمان حکیم، یعنی وارد شدن از درِ موعظه را پی گیرند تا از این طریق بر قدرت اثرگذاری کلام خویش افزوده و با فرزندان خویش رابطه‌ای عاری از هرگونه خشونت، لجاجت و... داشته باشند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۳-۲. زبان عقل‌محوری

قرآن نه تنها حق (فاطر، ۳۱)، بیّنه (انعام، ۵۷) و برهان (نساء، ۱۷۳) است؛ بلکه روشنگر (یوسف، ۱) و بصیرت‌آفرین (جاثیه، ۲۰) نیز است؛ توجه به اوصاف یادشده روشن می‌سازد که قرآن کتابی است که با عقل و اندیشه انسان سر وکار دارد تا جایی که بخشی از آیات نورانی این کتاب شریف بر ضرورت بهره‌گیری از عقل در جهت کشف حقیقت دلالت دارند و بر همین اساس زبان آنها به عنوان زبان عقل‌محور معرفی می‌گردد؛ از جمله این آیات، آیه ۱۷۰ سوره بقره است که از این آیه می‌توان در جهت تبیین نحوه تعامل فرزندان با والدین در سبک زندگی خانوادگی قرآنی استفاده نمود و بر اساس آن بیان داشت که تبعیت و تقلید کورکورانه فرزندان از والدین نادرست، بلکه از عقلانیت به دور است. خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنان پیروی خواهند کرد)؟!» (بقره، ۱۷۰).

این آیه اشاره‌ای به منطق سست مشرکان در عدم تبعیت از قرآن است؛ به این بیان که آنها می‌گفتند: ما از آنچه پدران و نیاکان خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم که این منطق سست و خرافی بلافاصله با جمله «أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» محکوم می‌گردد؛ چراکه تقلید کورکورانه مخالف صریح عقل است. توضیح این مخالفت اینکه: سخن آنان یعنی «بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» مطلق است و به مقتضای اطلاق، معنای سخنشان این چنین خواهد بود

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

که ما پدران خویش را بر هر حال و وصفی پیروی می‌کنیم حتی اگر علمی نداشته باشند و این پیروی در گفتار و کردار است؛ یعنی هر آنچه آنان گویند، اجابت می‌کنیم و هر آنچه آنها انجام دهند، انجام می‌دهیم و در هر شرایطی، گفتار و کردار آنان را حق می‌دانیم (طوسی، بی‌تا، ۷۵/۲). واضح است که هیچ عاقلی لب به چنین سخنی نمی‌گشاید؛ چراکه مصداق سخن بدون علم است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۶۳۵/۱). گفتار و کردار والدین ارزشمند و محترم است؛ اما این ارزشمندی در همه جا صادق نیست؛ تقلید کورکورانه یکی از دام‌های شیطان است که آن را برای انسان جلوه می‌دهد؛ در حالی که اگر کسی درست بیندیشد به روشنی خواهد فهمید که پیروی از پدران وقتی درست است که آنان به راه راست رفته باشند؛ ولی اگر به راه خطا رفتند و ناآگاهانه پیروی از امر باطلی کردند، دیگر نباید تابع آنها شد (جعفری، ۱۳۷۶ش، ۴۲۷/۱).

با توجه به آنچه در نکوهش تبعیت صرف از پدران و نیاکان گفته شد؛ از آنجایی که اکثر فرزندان در مرتبه اول، تحت تعلیم و تربیت پدر و مادر قرار می‌گیرند و افکار و آداب والدین، در قلوب فرزندان، به طور طبیعی ثابت و راسخ می‌شود، التزام به پیروی از آنان در صورتی که شرایط لازم تقلید را نداشته باشند، سدِ راه ترقّی، تعالی و هدایتشان خواهد بود و شرایط لازم تقلید، مطابق آیه فوق، یکی قوه ذاتی عقل، یعنی قدرت تشخیص صلاح و فساد و خیر و شر و دیگری مهتدی بودن است (ر.ک. مصطفوی، ۱۳۸۰ش، ۳۲۱/۲)

۳-۳. زبان دفع شبهه

حضرت علی علیه السلام در تعریف شبهه می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقّ؛ شبهه را شبهه می‌گویند؛ زیرا شبیه حق است» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸). با توجه به این حدیث شریف، شبهه هر آن چیزی است که اولاً: شباهت

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

با حق، دارد؛ ثانیاً: این شباهت، انسان را به اشتباه انداخته و او را به سوی امر غیر حق و باطل متمایل می‌سازد؛ لذا «دفع شبهه» به معنای روشنگری و رفع ابهام و اشتباه از دیگران است تا به گمراهی گرفتار نشوند و از این طریق حجت در حق آنان تمام شود.

بررسی آیات مربوط به سبک زندگی خانوادگی، روشن می‌سازد که لسان پاره‌ای از آنها، لسان دفع شبهه است؛ به عنوان مثال خداوند متعال در تبیین حد و مرز محبت به اولاد و خویشاوندان، توهم اینکه، در راستای حفظ و نجات آنان انجام هر کاری رواست را دفع نموده و توجه انسان را به روز قیامت و گسست روابط اسباب و انساب دنیوی مبذول داشته و چنین می‌فرماید: «لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ روز قیامت (که کیفر دوستی با دشمنان داده شود) خویشان و فرزندانتان سودی به حال شما ندارند؛ خدا میان شما و آنان جدایی می‌اندازد و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست» (ممتحنه، ۳).

این آیه پاسخی است به افرادی چون «حاطب بن ابی بلتعه» که به خاطر حفظ جان خویشاوندان خود، اسرار مسلمانان را در اختیار مشرکان مکه قرار داد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۳۵۲/۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۲۹۹/۵). خداوند نیز، خطاب به او و هرکس که حفظ منافع اولاد و خویشان خود را به حفظ منافع دین اسلام ترجیح دهد، می‌فرماید: «هرگز بستگان و اولاد شما سودی به حالتان نخواهد داشت.» و علت این امر طبق بیان علامه طباطبایی این است که رابطه خویشاوندی، مودت، الفت و... در ظرف دنیا که ظرف حیات اجتماعی است، بروز می‌دهد و انسان تنها در ظرف حیات اجتماعی دنیا به این رابطه‌ها نیازمند است؛ اما در قیامت وقتی حقایق آشکار می‌شود و پرده‌ها کنار می‌رود، اثری از آن اسباب و مسببات دنیوی باقی نخواهد ماند؛ بنابراین هیچ خویشاوندی از خویشاوندی‌اش بهره‌مند نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۳۹۴/۱۹). در قیامت یگانه رابطه محکم افراد با یکدیگر، رابطه

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

اعتقادی و ایمانی است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ۲۹۱/۱۶) و تنها چیزی که در پیشگاه کبریایی خداوند برای انسان سودمند است، عمل صالح او خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۲۹۹/۷).

۳-۴. زبان انذار

«انذار» اعلان خطر و هشدار دادن است؛ به این معنا کـه اگـر آینـده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشـته باشـد، اگـر شما به او خبر بدهید و او را بترسانید، این نوع خاص از ترساندن را انذار گویند. به نظـر می‌رسد کـه واژه هشدار که امروزه در فارسی معمول شـده اسـت، بـا ایـن مفهـوم نزدیـک اسـت (مطهـری، ۱۳۷۰ش، ۱۴۱). انذار از طـرف خداونـد متعـال بـر مبنای دلسوزی و محبتی که نسبت به مخاطبـان خـود یعنی مخلوقات و به ویژه انسان‌ها دارد، شکل می‌گیرد و با تکیه و تأکید بر عقلانیت و اختیار مخاطـب بیـان می‌شود (دل‌افکار و دیگران، ۱۳۹۳ش، ۵۸)؛ بنا بر آنچه گفته شد زبان آن گروه از آیات قرآن کریم که مشتمل بر نوعی انذار و بیم دادن انسان نسبت به نتیجه و عاقبت اعمال ناصواب اوست را می‌توان زبان انذار معرفی نمود؛ از جمله آیات مربوط به این بحث، آیه ۹ سوره منافقون است که حکایت از انذار خداوند نسبت به مؤمنان دارد که مبادا اولاد و اموال موجب غفلت آنان از یاد خدا گردد که نتیجه چنین غفلتی چیزی جز خسران و تباهی نیست. خداوند می‌فرماید:

«**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلاَ أَوْلاَدُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندانتان شمارا از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند!»

منظور از «الهاء اموال و اولاد از ذکر خدا» این است که همه فکر و ذکر انسان متوجه آنان باشد به طوری‌که خدا را فراموش کنند؛ در این صورت دستورهای خدا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

مورد عمل واقع نمی‌شود و به حکم آیه ۶۷ سوره توبه خدا نیز آنان را فراموش می‌کند و این جز خسران و بدبختی نخواهد بود (قرشی، ۱۳۷۷ش، ۱۸۲/۱۱). البته قصر خسران در مورد این گروه، قصر ادعایی و به جهت مبالغه در خسران آنانست؛ گویا خسران غیر این‌ها، خسران شمرده نمی‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۲۶/۲۸)؛ لذا خدای متعال در این آیه، مؤمنان را از مشغول شدن به این امور انذار داده و خسران و تباهی را به عنوان نتیجه چنین اشتغالی معرفی می‌کند؛ از این رو شایسته است که والدین با تمسک به این آیه در نحوه ارتباط با فرزندان خویش دقت لازم را داشته باشند؛ در غیر این صورت در جرگه خاسران قرار خواهند گرفت.

۴. زبان قرآن در آیات ناظر بر تعامل فرزندان با والدین

بررسی آیات مرتبط با نحوه تعامل فرزندان با والدین، حاکی از متعدد بودن شیوه‌های زبانی قرآن است. در زیر آیات مرتبط بررسی می‌شوند:

۴-۱. زبان تشریع

«شرع» در لغت به معنای اظهار، بیان، گشودن و شناساندن طریق آمده است (طریحی، ۱۳۷۳ش، ذیل واژه شرع) و «شریعت» سنت‌هایی است که خداوند در قالب دین قرار داده و بدان دستور داده است؛ از قبیل صوم و اعمال خیر (ابن منظور، ذیل واژه شرع).

بر این اساس، زبان تشریع در آیات قرآن کریم، بدین معناست که لسان آیه، مشتمل بر حکمی الهی باشد که مکلفین را موظف به امتثال آن بنماید؛ از جمله تشریعات خداوند که در دایره سبک زندگی خانوادگی جای می‌گیرد، احسان و احترام به والدین است که طبق نص صریح آیات، فرزندان ملزم به رعایت این امر الهی هستند. خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمّا يَبْلُغَنّ عِنْدَکَ الْکِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ کِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا کَرِيمًا وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلّ مِنَ الرّحْمَةِ وَقُلْ رَبّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبّيَانِي صَغِيراً؛ و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند (چنانچه تو را به ستوه آورند) به آنان اُف مگوی و بر آنان (بانگ مزن و) پرخاش مکن و به آنان سخنی نرم و شایسته (و بزرگوارانه) بگو؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنان مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده» (اسراء، ۲۳– ۲۴).

مراد از «قَضَی» در اینجا امر قطعی است (شبر، ۱۴۱۲ق، ۲۸۱/۱)؛ لذا خداوند در این آیه به دو چیز فرمان اکید می‌دهد؛ یکی: توحید و دیگری: احسان به والدین که عطف احسان به والدین بر توحید، مشعر بر مبالغه در احسان به والدین است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ۷۸۸/۲)؛ البته این عطف و هم‌نشینی، تنها مختص به این آیه نیست و در آیات دیگری نظیر: (بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ لقمان، ۱۳– ۱۴) قابل مشاهده است.

در این آیات به نحوه احسان به پدر و مادر در دوران پیری آنان اشاره شده است و دلیل این اشاره خاص با توجه به اینکه اطاعت و احسان به والدین در هر حالتی، واجب است، این است که در این دوران آنان به احترام، خدمت و احسان بیشتر احتیاج دارند (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۲۰/۱۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ۲۶۶/۵). اولین توصیه این آیات در طریقه تعامل احترام‌آمیز با پدر و مادر این است که به آنان اف مگو؛ حتی اگر بر تو اذیتی رسانند، حق سبک‌ترین اهانت را نداری؛ توصیه دوم مبنی بر عدم پرخاشگری بر آنان است؛ زیرا اقتضای پیری انجام برخی کارهاست که ممکن است در حوصله فرزندان نباشد؛ با این وجود نباید با پرخاش آنان را از خویش راند؛ سوم اینکه نه تنها بر آنان پرخاش نباید کرد، بلکه باید کریمانه و شایسته با آنان سخن

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

گفت؛ و آخر اینکه بال رحمت و عطوفت خود را بر آنان باید گستراند؛ چراکه آنان در این سن تشنه مهر و محبت بسیارند (ر.ک.جعفری، ۱۳۷۶ش، ۲۷۹/۶).

۴-۲. زبان انذار

توضیح زبان انذار در قسمت آیات ناظر بر تعامل والدین با فرزندان گذشت. آیه ۱۳۵ سوره نساء از جمله آیات ناظر بر تعامل فرزندان با والدین است که از زبان لنذار برخوردار است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند؛ بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است».

این آیه دلالت بر این دارد که انسان باید در موضع شهادت، به خاطر خداوند تمام ملاحظات را کنار بگذارد؛ حتی منافع خود، پدر و مادر و بستگان را نادیده گرفته و به حق و عدالت شهادت دهد؛ چراکه نتیجه اعراض از چنین عملی، کیفر الهی خواهد بود که ذیل آیه یعنی «**فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا**» بر این مطلب اشاره دارد؛ توضیح اینکه در اینجا تعبیر به «خبیر» شده است نه «علیم»؛ زیرا خبیر به کسی گویند که از جزئیات و ریزه‌کاری‌های یک موضوع آگاه است؛ اشاره به اینکه خداوند کوچک‌ترین انحراف شما را از حق به هر بهانه و دستاویزی که باشد،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

می‌داند و کیفر آن را خواهد داد (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۱۶۴/۴). بر اساس این آیه یک خانواده ایمانی که سبک زندگی خانوادگی قرآنی را دنبال می‌کند، چنانچه در چنین موقعیتی قرار گرفت، شایسته است با نظر بر این آیه، جز رضایت خداوند، ملاحظه هیچ چیز و هیچ کسی را نکنند تا از این طریق رهرو راستین قرآن و دستورات ناب الهی باشند.

۴-۳. زبان مودت و رحمت

«وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً؛ و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنان مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده».

این آیه و آیه ماقبل آن، در بخش زبان تشریع، مورد بحث قرار گرفت؛ اما چون امر به احسان و احترام به والدین، آن هم با الفاظ پر عطوفتی چون «وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ»، به نوعی حکایت‌گر توجه خداوند نسبت به بندگان خویش است، مشمول این بخش نیز می‌گردد.

۴-۴. زبان دفع شبهه

توضیح زبان دفع شبهه در آیات ناظر بر تعامل والدین با فرزندان گذشت؛ دقت در آیاتی که سبک تعامل فرزندان با والدین را مشخص می‌کند، روشن می‌سازد که لسان برخی از آیات این دسته نیز، لسان دفع شبهه است؛ چنانکه خداوند در آیه ۸ سوره عنکبوت، بعد از آنکه انسان را به اطاعت و احسان به والدین سفارش می‌نماید؛ چون ممکن است کسی تصور کند که اطاعت از آنان در شرک‌ورزی به خداوند نیز ضروری است؛ این توهم را دفع نموده، می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

وَإِنْ جَاهَدَاکَ لِتُشْرِکَ بِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُمْ بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنان پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهم ساخت».

خداوند در صدر این آیه می‌فرماید: «**وَوَصَّیْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَیْهِ حُسْنًا**». با توجه به اینکه معنای «وَصَّیْنَا» «امر کردیم» یا «ملزم کردیم» هست (طوسی، بی‌تا ج ۱۸۹/۸)، صدر آیه بر لزوم احسان و اطاعت به والدین به طور مطلق دلالت دارد؛ ولی در ادامه با جمله: «**وَإِنْ جَاهَدَاکَ لِتُشْرِکَ بِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا**» از این اطلاق خارج می‌شود و وجه خروج از اطلاق این است که کسی تصور نکند که پیوند عاطفی با پدر و مادر می‌تواند بر پیوند انسان با خدا و مسئله ایمان حاکم گردد؛ با یک استثناء صریح، مطلب را در این زمینه روشن کرده، می‌فرماید: «و اگر آن دو کوشش کنند و به تو اصرار ورزند که برای من شریکی قائل شوی، از آنان اطاعت مکن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ۲۱۵/۱۶)؛ به عبارت دیگر، حق اطاعت مطلق، تنها برای پروردگار جهانیان ثابت است؛ چراکه خداوند معبود و انسان عبد اوست؛ اما والدین، این حق اطاعت مطلق را ندارند؛ زیرا فرزند، عبد والدین نیست (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۲۱/۱۸).

با توجه به آنچه گذشت، خدامحوری، شاخصه اصلی یک خانواده قرآنی است؛ یعنی در تعامل فرزندان با والدین و یا حتی والدین با فرزندان، ملاحظه رضایت الهی بر هر چیز دیگری مقدم است؛ به عبارت دیگر آنان هیچ‌گاه شریعت را فدای عاطفه و ارتباط‌های خانوادگیِ خویش نمی‌کنند.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۴-۵. زبان تربیتی

از دیدگاه شهید مطهری تربیت عبارت است از پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ لذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است؛ و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار ببریم، مجازاً به کار برده‌ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم (مطهری، ۱۳۸۳ش، ۵۵۱/۲۲)؛ به عبارت دیگر تربیت، یک فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری است که میان مربی و متربی به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود (گروه علوم تربیتی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش، ۵۷).

بنابر آنچه گذشت، منظور از زبان تربیت این است که لسان بسیاری از آیات دربردارنده نکات آموزنده‌ای است که فراگیری، تعهد و التزام عملی نسبت به آنان، سبب رشد و تکامل شخصیت فردی و اجتماعی افراد می‌شود که به تبع این رشد و تعالی شخصیتی از تعالی و سعادت اخروی نیز بهره‌مند خواهند گشت؛ چراکه اساساً هدف قرآن سعادت انسان‌هاست و رسیدن به این هدف از خلال فراگیری آموزه‌های تربیتی قرآن میسر خواهد گشت؛ به عنوان مثال قرآن کریم در جهت تربیت فرزندان در خصوص تعامل صحیح با والدینشان می‌فرماید:

«یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا لِیسْتَأْذِنْکمُ الَّذینَ مَلَکتْ أَیمانُکمْ وَ الَّذینَ لَمْ یبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْکمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حینَ تَضَعُونَ ثِیابَکمْ مِنَ الظَّهیرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَکمْ لَیسَ عَلَیکمْ وَ لا عَلَیهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَیکمْ بَعْضُکمْ عَلی بَعْضٍ کذلِک یبَینُ اللَّهُ لَکمُ الْآیاتِ وَ اللَّهُ عَلیمٌ حَکیمٌ وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنکمُ الْحُلُمَ فَلْیسْتَئْذِنُواْ کمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کذَلِک یبَینُ اللَّهُ لَکمْ ءَایتِهِ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکیمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حدّ بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید؛ این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است» (نور، ۵۸).

آیه فوق مربوط به آداب نحوه ورود به جایگاه خصوصی پدر و مادر است که بر اساس این آیه شریفه در اوقات خلوت والدین، فرزندان نباید بدون اجازه وارد شوند؛ البته این دستور متوجه اولیاء اطفال است؛ زیرا در آیه سخن از کودکانی است که به حد بلوغ نرسیده‌اند؛ بنابراین مخاطب آیه اولیاء هستند و آنان باید فرزندان خویش را به انجام این برنامه وادار کنند؛ از طرف دیگر این اذن‌گیری، هم شامل کودکان دختر و هم شامل کودکان پسر می‌شود و کلمه «الَّذینَ» که دلالت بر جمع مذکر دارد، مانع این عمومیت نیست؛ زیرا در بسیاری از موارد «الَّذینَ» به عنوان تغلیب بر مجموع اطلاق می‌گردد (مکارم، ۱۳۷۴ش، ۵۳۹/۱۴)؛ همچنین از این آیه می‌توان در جهت تبیین نحوه تعامل زوجین با یکدیگر استفاده نمود و بیان داشت که زوجین باید در طول شبانه‌روز اوقات خاصی را به یکدیگر اختصاص دهند (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ۲۰۸/۸). و قطعاً توجه و اهمیت دادن زوجین به یکدیگر، زمینه ساز استحکام رابطه زناشویی و حاکمیت آرامش و امنیت بر فضای خانواده خواهد بود.

۵-۵. زبان حکمت

ازجمله اوصافی که قرآن کریم خداوند متعال را بدان وصف می‌نماید، حکیم بودن اوست؛ چنانکه در آیه ۷۱ سوره توبه آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ؛ خداوند توانا و حکیم است». از نگاه علامه طبرسی «حکمت» چیزی است که انسان را بر امر

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

حقی آگاه می‌گرداند که باطلی در آن نیست (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ۱۵۵/۲). مطابق این معنا، حکیم نیز کسی است که بر امور حق و واقع، به‌خوبی آگاه است.

دقت در قرآن کریم روشن می‌سازد که گاه سؤالاتی که مردم از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله داشته‌اند در وجه صحیح نبوده است؛ لذا خداوند حکیم به مقتضای حکمت خویش، پاسخ آن سؤالات را در وجه صحیح داده تا از این طریق، هم وقوف آنان بر حق حاصل گردد و هم آنان با شناخت حق و عمل به آن هدایت گردند؛ بر این اساس می‌توان لسان آن دسته از آیات که چنین هدفی را دنبال می‌کنند، لسان حکمت دانست. از جمله این آیات، آیه ۲۱۵ سوره بقره است: «**يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ**؛ از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است».

این آیه که در شمار آیات ناظر بر سبک زندگی خانوادگی و در محدوده نوع تعامل فرزندان با والدین قرار می‌گیرد، دلالت بر این دارد که فرزندان چنانچه در صدد انفاق برمی‌آیند، شایسته است که والدین خویش را نسبت به مصادیق دیگر، در اولویت قرار دهند. زبان این آیه، زبان حکمت است؛ همان‌طور که روشن است صدر آیه مشتمل بر سؤالی است که از جنس و نوع انفاق است و چون هرکس به خوبی می‌داند که از چه جنسی و چه نوعی باید انفاق کرد، لذا چنین سؤالی، بی‌شباهت به لغو نیست؛ بلکه باید می‌پرسیدند: به چه کسانی انفاق کنیم؛ لذا خداوند حکیم جواب را از یک سؤال صحیح، یعنی بیان حال و انواع کسانی داد که باید به ایشان انفاق کرد تا علاوه بر جواب، تعلیم نیز صورت گرفته باشد؛ از این رو، چون پاسخ خداوند،

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

به مقتضای اسلوب حکمت است، زبان آن نیز، زبان حکمت خواهد بود (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۲۴۰/۲).

نتیجه‌گیری

۱- ملتزم شدن به سبک زندگی خانوادگی قرآنی، در سایه تحقق فهم درست آیات ناظر بر تعیین چنین سبکی است و فهم درست این دسته از آیات نیز، زمانی محقق می‌شود که زبان قرآن در این گروه از آیات شناخته و فهم شود.

۲- «زبان» در لغت به دو معنای عمده ابزار گویایی و لغت یک ملت و جماعت به کار می‌رود؛ اما مقصود از «زبان» در اصطلاح «زبان قرآن»، قدرت تعقلی تفهیم و تفاهم است که در آیه چهارم سوره الرحمن بدان اشاره شده است.

۳- «زبان قرآن» یعنی قرآن کریم به عنوان هادی بشر در جهت انتقال پیام خویش به مخاطبان، از چه سبک و شیوه‌ای بهره جسته است. از مهم‌ترین نظریات مطرح در باب زبان قرآن می‌توان به زبان عرف عام، زبان عرف خاص، زبان سمبلیک، زبان فطرت و زبان ترکیبی اشاره نمود.

۴- قرآن کریم برای تبیین سبک زندگی خانوادگی و مشخص نمودن نحوه تعامل زوجین با یکدیگر، فرزندان با والدین و والدین با فرزندان از شیوه‌های متنوع زبانی همچون زبان حکمت، زبان موعظه، زبان دفع شبهه، زبان انذار، زبان تشریع، زبان عقل‌محوری، زبان تربیتی، زبان هدایت‌گری و زبان مودت و رحمت بهره برده است تا از این طریق بتواند سبک زندگی قرآنی اسلامی را به بهترین صورت ممکن در اختیار مردم قرار دهد و مردم نیز با الگوگیری از آن، بتوانند زندگی خویش را در مسیر صحیح پیش برده و بنیان خانوادگی خویش را مستحکم نمایند. طبیعی است استحکام بنیان خانواده‌ها نقش چشم‌گیری در استحکام و پیشرفت جامعه خواهد داشت.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۵- از بین نظریات مطرح شده در باب زبان قرآن، زبان آیات ناظر بر سبک زندگی خانوادگی، موافق با نظریه پنجم است که طبق نظر آیت الله مصباح این نظریه اقوی است.

منابع

- **قرآن کریم**، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۸۰ش، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- امیر المؤمنین امام علی علیه السلام، **نهج البلاغه**، ترجمه: محمد دشتی، ۱۳۸۷ش، قم: نشر الهادی، چاپ چهاردهم.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، ۱۴۲۰ق، **التحریر و التنویر**، بیروت: موسسه التاریخ العربی، چاپ اول.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.

۳. آریان، حمید، ۱۳۸۹ش، «**زبان قرآن؛ ساختار و ویژگی‌ها**»، مجله معرفت، شماره ۳۵.

۴. آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

۵. باقری نیا، حسن، ۱۳۹۳ش، «**روش تربیتی موعظه؛ چالش‌ها و آسیب‌ها با تأکید بر آموزه‌های قرآنی**»، پژوهشنامه‌ی معارف قرآنی، شماره ۱۶، صص۵۸- ۷۵.

۶. بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.

۷. جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶ش، **تفسیر کوثر**، قم: موسسه انتشارات هجرت، چاپ اول.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱ش، **تفسیر تسنیم**، قم: نشر اسراء، چاپ سوم.

۹. حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ش، **تفسیر اثناعشری**، تهران: میقات، چاپ اول.

۱۰. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۴ق، **انوار درخشان**، تهران: کتاب‌فروشی لطفی، چاپ اول.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۱۱. حق‌شناس، علی‌محمد، ۱۳۵۶ش، **آواشناسی**، تهران: چاپ اول.

۱۲. حقی بروسوی، اسماعیل، ۱۳۷۰ش، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.

۱۳. خویی، سیدابوالقاسم، ۱۳۹۴ق، **البیان فی تفسیر القرآن**، قم: المطبعه العلمیه.

۱۴. دل افکار، علیرضا و دیگران، ۱۳۹۳ش، «**تحلیل ساختار کار گفت انذار در قرآن کریم**»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال سوم، شماره اول، صص۴۰- ۶۰.

۱۵. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳ش، **لغت‌نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.

۱۷. رجبی، محمود، ۱۳۷۶ش، **آشنایی با قرآن**، تهران: نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، چاپ اول.

۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۹۵ش، **منطق تفسیر قرآن**، قم: جامعه المصطفی العالمیه، چاپ سوم.

۱۹. سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۸۳ش، **تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۰. شاکر، محمدکاظم، ۱۳۹۳ش، **مبانی و روش‌های تفسیری**، بی‌جا: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ سوم.

۲۱. شبر، عبدالله، ۱۴۱۲ق، **تفسیر القرآن الکریم**، بیروت: دارالبلاغه للطباعه و النشر، چاپ اول.

۲۲. شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران: نشر داد، چاپ اول.

۲۳. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۱ش، «**سبک زندگی به عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان**»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص۵۰- ۶۲.

۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴ش، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه، چاپ اول.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]

۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ش، **ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۳ش، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، **تفسیر نورالثقلین**، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۹. فضل الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر، چاپ دوم.
۳۰. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
۳۱. قرشی، علی‌اکبر، ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۳۲. کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۳۶ش، **تفسیر منهج الصادقین**، تهران: محمدحسن علمی، چاپ اول.
۳۳. کاشانی، ملافتح الله، ۱۳۷۷ش، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.
۳۴. گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش، «**مجموعه مقالات تربیتی**»، قم: مؤسسه امام خمینی، چاپ اول.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸ش، «**میزگرد زبان دین**»، مجله معرفت، شماره ۱۹.
۳۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰ش، **آشنایی با قرآن**، تهران: صدرا، چاپ شانزدهم.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، **مجموعه آثار**، ۲۲، تهران: صدرا، چاپ یازدهم.
۳۸. معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۳ش، «**شناخت زبان قرآن، ۲**»، مجله بینات، شماره سوم.
۳۹. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، **تفسیر الکاشف**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.

[Downloaded from cssq.ir on 2026-10-12]